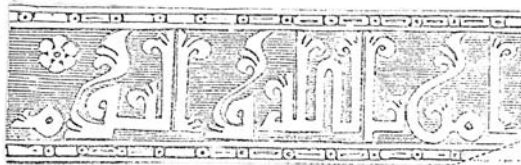
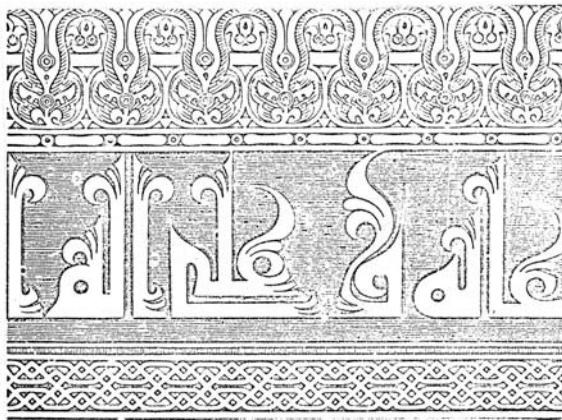




تصویر ۳. پلاک گچی از کاخ تیسفون (۲۴۱ م)
انتهای برجک‌های ساسانی در حروف کوفی شباهت نام به برجک‌های موجود در پلاک کعبی ساسانی دارد



تصویر ۱: کتیبه‌ای از مسجد نایین در اشل کوچک (سال ۲۸۸ هجری) - کوفی مورق



تصویر ۱: کتیبه گچی از مسجد نایین (از کتاب بوپ) نمونه‌هایی از کوفی مشجر (مورق)



تصویر ۳. یک پلاک گچی از کاخ بیشاپور (قرن سوم میلادی) که در گوشه‌های آن ساقه هر قسمت از برجک‌ها مانند دسته بعضی از حروف کوفی مسجد اردستان و مسجد جمعه نایین خمیده و سه‌لبی است

تزیینات مساجد دمشق استخدام می‌شدند و تحت ریاست یک استاد ایرانی به کار می‌پرداختند.^۴

در جای دیگری در همین راستا این چنین آمده است:

در سرزمین‌های جنوب بعد از این که اعراب حکومت ساسانی را از پای انداختند، اسلام با تمدنی همجوار شد که از یک سو رگ و ریشه در فرهنگ باستانی و تجدد یافته بین‌النهرین و از سوی دیگر در مدنیت یونان - منتهی با رنگ و بوی تمام عیار شرقی - قرار داشت.^۵

به هر صورت بسیاری از دانشمندان را عقیده بر این است که ایران و سرزمین‌های شمال غربی آن اولین مهد جامعه‌ی متمدن محسوب می‌شود. در همین منطقه بود که... بنیان هنرهای تزیینی از همان دوران گذارده شد.^۶

خط به عنوان هنری ارجمند

روی کار آمدن عباسیان و نفوذ ایرانیان در دستگاه حکومت اسلامی چند نتیجه داشت:

۱. رسوخ آداب و عادات و رسوم و تشکیلات اداری و اجتماعی ایرانیان در تمدن اسلامی.

۲. انحصار مقامات عالی به ایرانیان.

۳. [از همه مهم‌تر] ایجاد نهضت بزرگ علمی و اجتماعی که منجر به تشکیل تمدن بزرگ اسلامی شد.^۷

در سایه این توفیق و تشکیل دولت‌های نیمه مستقل ایرانی راه برای تجدید عظمت ایران و نوسازی فرهنگی و بازپردازی علمی و ادبی و هنری هموار گردید و ذوق و استعداد هنرمندان و محققان ایرانی در سیه‌ای آرامشی نسبی که این حکومت‌ها فراهم آورده بودند راه خود را دوباره یافت و به ایجاد آثار ارزشمندی در

زمینه‌های گوناگون هنری علمی و فنی از جمله خلق و تحسین و تجوید و تزیین خطوط گوناگون پرداخت و چون خط و زبان دینی آن روز خط و زبان قرآن بود، هم آن‌گونه که دانشمندان ایرانی به علوم قرآنی روی آوردند و آثار ارزشمندی به جهان اسلام عرضه داشتند، هنرمندان نیز با گرمی‌داشت قرآن و به سبب دلبستگی که از قدیم‌ترین روزگاران به انواع هنرها داشتند و منع و نهی بعضی از هنرها مثل نقاشی و مجسمه‌سازی، خطاطی و خوشنویسی و کتابت، قرآن را وجهه همت قرار دادند و در این راه از بذل هیچ کوششی فروگذار نبودند و در این راه یعنی در راه اعتلا و ارتقای هنر خط تا جایی پیش رفتند که پس از چندی آثاری

هنوز بر ما آشکار نیست، حک شده است.^۸

نیز از برج پایکولی باید نام برد که دو کتیبه‌ی مهم پهلوی و پارتی بر آن نقش شده است. این عمارت که خرابه‌های آن نزدیک سرحد ایران و عراق است و به علت کتیبه‌اش از آثار بسیار مهم دوره‌ی ساسانی است، بر خلاف آنچه بعضی از محققان نظر داده‌اند، معبد یا آتشگاه نبوده بلکه بنایی است که نرسی پادشاه ساسانی به یادگار غلبه‌اش بر بهرام سوم بر پای ساخته است.^۹ مرحوم دکتر عباس زمانی در این مورد تحقیقی جالب در مجله هنر و مردم دارند و آن مقایسه آرایش‌های یک پلاک گچی است از تیسفون با آرایش‌های خطی - خط کوفی - مسجد نایین، که تزیینات گیاهی و برجک‌های آنها کاملاً به هم شبیه و شاید عین هم باشند.^{۱۰} (تصویر شماره ۱ و ۳)

«بکار بردن رشته‌ی مروارید شکل روی ستون‌های نزدیک محراب در مسجد نایین و نیز طرح زمینه‌ای پر از گل و برگ در کتیبه‌های متعدد چه در بناها و چه بر روی اشیاء و فلزات و منسوجات کاملاً تقلیدی است از کارهای دوره‌ساسانی. طرح اسلیمی‌های زیبا از سابق در ایران معمول بوده است. همان گیاهانی که خطوط و ابعاد یک بنای دوره ساسانی را در برمی‌گرفته، خط کوفی اسلامی را نیز احاطه کرده است و همان شاخه‌هایی که در دم بعضی از نقوش ساسانی روییده از انتهای حروف کوفی جستن کرده است.»^{۱۱}

می‌توان درباره هنرها و ظرایف این دوره به نمونه‌های فراوانی اشاره کرد ولی محدوده کار مانع از ارائه نمونه‌های دیگر است. به این ترتیب به راحتی می‌توان بین نقش‌های تزیینی به ویژه خطی هنر ساسانی و هنر اسلامی ارتباط برقرار کرد.

ب - اما عرب؟

ظن غالب آن است که تا اسلام نیامد عرب در جهت تحسین و تجوید خط نکوشید. معروف است که اسلام کتابت را یاری داد و در انتشار آن پافشاری نمود.^{۱۲} و تردید نیست که وقتی صحبت از آمدن اسلام و تجوید خط می‌شود در حقیقت صحبت از قومی غیرعرب یعنی اقوام و مللی مغلوب و مقهور است زیرا: «در زمان حضرت رسول، عرب از خود صنعتی نداشت و بعد از فتح سوریه و بین‌النهرین و مصر و ایران بود که هنرهای این ممالک را اقتباس کرد. خلفای اموی از تمام ولایات مفتوحه، مصالح و استادانی را جلب می‌کردند و در بنای شهرها و قصرها و مساجد جدید مورد استفاده قرار می‌دادند. معرق سازان بیزانسی و سوریه‌ای برای

سهم ایرانیان در هنر خوشنویسی با تکیه بر خط کوفی

دکتر علی ایمانی

چکیده:

همان گونه که در عنوان مقاله آمده، تلاش نگارنده بر این است که ضمن ارج نهادن به هنر خوشنویسی، اولاً تأکید کند که مادر همه‌ی خطوط اسلامی خط کوفی است. ثانیاً مشخص نماید این خط که در ابتدا فقط مصاحف با آن نوشته می‌شد و در کمال سادگی و حتی بدون نقطه و اعراب بود، بعدها توسط ایرانیان اصلاح و تکمیل گردید و در عهد سلجوقیان به اوج زیبایی خویش دست یافت. ثالثاً یادآور شود که این هنر در تزیین و تحسین و تجوید متأثر از هنر ساسانی است و نیز سهم ایرانیان و تأثیر آنان را در تکمیل این خط و استعمال آن در ابنیه و مساجد و ظروف سفالی و فلزی و بر روی گچ و آجر و سایر اشیا، نشان دهد. در این وجیزه تلاش شده است مطالب مستند به نظرات بزرگان و شناسندگان این هنر شریف باشد.

مقدمه

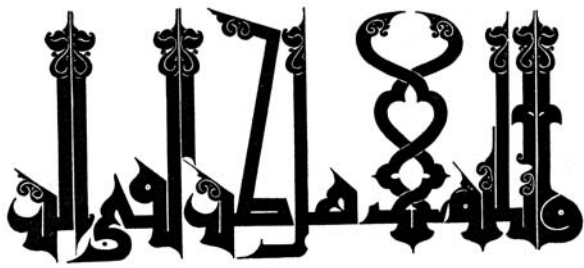
الف - هنر و صنعت در عصر ساسانی

برای ورود به مطلب ضروری است نگاهی گذرا به هنرهای عصر قبل از ظهور اسلام یعنی عصر ساسانی بیفکنیم. می‌دانیم که «دوران ساسانی یکی از درخشان‌ترین ادوار صنایع و فنون ایران است. در این دوره تحت حمایت شاهان ساسانی هنر و صنایع به اوج کمال رسید. کامل‌ترین تجلی اسلوب ساسانی در سنگ تراشی و نقوش بر صخره است... از مختصات صنایع ساسانی ایجاد سبک و اسلوب جدیدی در تزیین خیالی و گل و گیاه نماست که براساس صنایع آشوری و هخامنشی قرار دارد و اصول عمده‌ی آن موزون بودن تکرار و تقارن است. همان طور که در هنر قدیم شرق مرسوم بود، برگ نخل یکی از تزیینات عمده‌ی آرایش و تزیین عهد ساسانی گردید...»

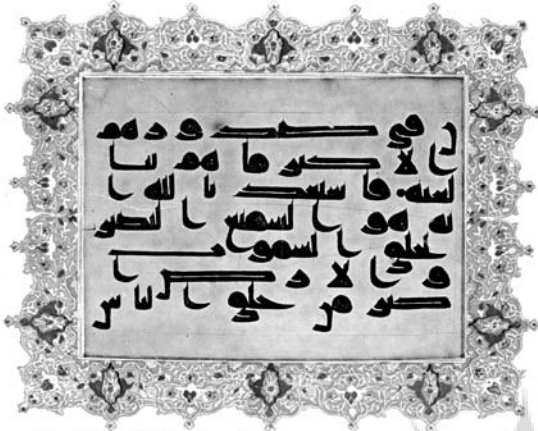
در تطور و تکامل صنعت از دوره‌ی ساسانی تا عصر اسلامی پیوستگی‌هایی وجود دارد. در بعضی موارد هنرمندان مسلمان تزیینات ساسانی را بدون هیچ‌گونه تغییر اقتباس کردند و در موارد دیگر اشکال مجرد جدیدی به وجود آوردند که به تدریج از آن یک اسلوب مشخص اسلامی پدید آمد.^۱

رومن گیرشمن در باب این نقوش و کنده‌کاری‌ها می‌نویسد:

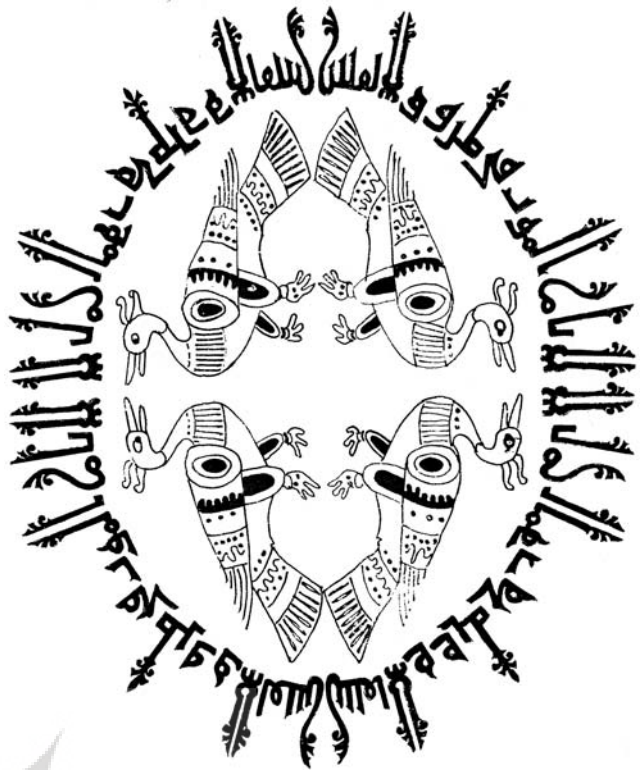
«کنده‌کاری عهد ساسانی به وسیله هزاران قطعه در موزه‌ها یا کلکسیون‌های خصوصی سراسر جهان شناخته شده است. بعضی از آنها مزین به تصویر مالکشان می‌باشد و به زبان پهلوی، نام و عنوان ایشان نوشته شده، ولی در غالب آنها موضوعاتی از جهان جانوران یا گل‌ها یا موضوع‌های ایمانی که مفهوم حقیقی آنها



تصویر ۱۱: قسمتی از کتیبه کوفی، قزوین، مسجد حیدریه. اوایل قرن ششم، خط فرج الله بذل



تصویر ۶: عکس صفحه‌ای از قرآن مجید منسوب به حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه‌السلام از قناس استان قدس رضوی (قسمتی از ایه ۵۶ تا ۵۷ سوره مؤمن)



تصویر ۱۲: یک طرح خطی بر روی پارچه از دوره سلجوقی

عمیق ایرانیان در ارتقا و اعتلای این هنر ظریف، متفق القولند و استعمال آن را به عنوان یک طرح هنری نه تنها منکر نیستند بلکه بر آن تأکید دارند:

خوشبختی و سعادت برخی ملل این بوده است که در تاریخ مدنیت عالم مقامی ارجمند داشته و در میدان پیشه و هنر و فنون مختلف سرمشقی شده‌اند... با کمال اطمینان و عقیدهٔ راسخ می‌گویم، هیچ فن و صنعت مهمی در عالم یافت نمی‌شود مگر آنکه فنون و صنایع ایرانی در آن مؤثر بوده و از روش و ظریف‌کاری و تزیین آن اقتباس کرده باشند.^{۲۳}

«این رسم‌الخط - کوفی - اولین مرتبه توسط اعراب بکار برده شد و بطوریکه از نام آن برمی‌آید از شهر کوفه در عراق برخاسته ولی استفاده از آن بعنوان یک طرح هنری نه تنها در کتاب‌ها بلکه در بناها، در ظروف سفالی و فلزی، در نساجی، اساساً به وسیلهٔ هنرمندان ایرانی بود. مشکل است بتوان یک اثر هنری مربوط به قرن نهم میلادی (سوم هجری) از هر جای ایران پیدا کرد که یک خط کوفی بر روی آن نباشد.»^{۲۴} «شاید رویهم رفته صحیح‌تر آن باشد که استفاده از این رسم‌الخط را در آثار هنری، یک ابداع ایرانی بدانیم.»^{۲۵}

«این کتابت که ایرانیان در ابداعش پیشگام بودند، از قرن دهم میلادی شایع شد تا به مصر و خلفای فاطمی و مملوکی رسید و حتی در سایر اقطار عالم و در بین فنون اسلامی شکل پراهمیتی یافت.»^{۲۶}

آرتور آپهام پوپ در کتاب ارزشمند «شاهکارهای هنر ایران» می‌نویسد: طراحان ایرانی بیش از هنرمندان کشورهای دیگر در ایجاد طرح‌های درهم‌پیچیده که بهم انداختن و هموار کردن آنها چیره‌دستی و قوه تخیل را می‌طلبد، مهارت داشتند و باید بدانیم که هنر تزیینی ایران است که به عالی درجه کمال رسیده و بر هنرهای کشورهای دیگر برتری یافته است.»^{۲۷} (تصویر شماره ۱۱) و سپس می‌افزاید:

صفات هنر ایران چیست؟ در درجه اول آن که با زندگی پیوند دارد و تار و پود آن از تجربیات بشری بافته شده است. آنچه که خوارمایه و بازاری است می‌آراید. در همه دوران باستان، هنرهای ایران نیروی آسمانی را می‌جوید و می‌کوشد تا با او ارتباط یابد... و چون این نقوش بر عادات و عقاید دینی مبتنی است و رابطه میان هر علامت با آداب مذهبی ادراک می‌شود، ممکن است عمیق‌ترین تأثیر را

بیش از همه کس گناه ما بود ولی

ما را به محبت علی بخشیدند^{۲۸}

(تصویر شماره ۲)

سهم عنصر ایرانی در تحسین و تجوید و تزیین و تذهیب خط

برای نشان دادن فضل تقدم و تقدم فضل ایرانیان بهتر می‌نماید که از سکه آغاز کنیم که چه قبل از اسلام و چه در تمدن اسلامی یکی از لوازم خلافت و سلطنت است.

عرب‌ها با پول ایرانی و رومی و سکه‌های این دو کشور معامله می‌کردند و همین که دولت اسلامی تشکیل شد به فکر افتادند که از خود تمدنی ایجاد کنند و از آن جمله سکه زدن بود.^{۲۹}

«سکه‌های نقره و مفرغ در قرن اول حکومت اسلامی موجود است که در شهرهای ایران ضرب شده و حتی نام خلیفه به زبان پهلوی بر آن نگاشته شده است.»^{۳۰}

«تقریباً تا سال ۶۵ هجری سکه‌های ایرانی و رومی رایج بود. این سکه‌ها را (سکه‌های ایرانی) تحت عنوان «سکه‌های عرب ساسانی» نام برده‌اند. در روی سکه‌های عرب ساسانی بیشتر شکل خسروپرویز و گاهی یزدگرد دیده می‌شود و در پشت سکه‌ها، مروان، زیادبن ابن سفیان، معاویه و... دیده می‌شود.»^{۳۱}

«آنچه پس از این تاریخ از سکه‌های ضرب شده می‌بینیم به نام سکه‌های اسلامی مشهور و معروف است.»^{۳۲}

«این سکه‌ها بقدری عالی بود که منصور خلیفه عباسی دستور داده بود برای دریافت مالیات فقط سکه‌های فوق را بپذیرند.»^{۳۳}

«این سکه‌ها در شهرهای بزرگ مثل: ری، نیشابور، دارابجرد، شوش و همدان و... ضرب می‌شده است و بطوریکه سکه‌شناسان نوشته‌اند متجاوز از ۶۰ (شصت) محل ضرب برای این سکه‌ها می‌شناختند.»^{۳۴}

در سایر پدیده‌های هنری مثل حجاری و فلزکاری و معماری نیز بی‌شک ایران و روم و مصر و سوریه پیشگام بوده‌اند فقط در مورد خطوط اسلامی قدری باید با احتیاط عمل کرد. با این همه تمام نویسندگان عرب و عجم و غربی به تأثیر



تصویر ۲: صفحه کاشیکاری به خط بنائی در ایوان غربی مسجد جمعه - اصفهان

برای هنر بوده است در این باره گفته است: فایده‌اش چیست؟ زیبا بودن. آیا همین کافی نیست؟ مثل گل‌ها، مثل عطرها، مثل همه چیزهایی که بشر می‌تواند به میل خود تغییر دهد. به طور کلی هر چیز وقتی مفید شد دیگر نمی‌تواند زیبا باشد؛ زیرا وارد زندگی روزمره می‌شود. هنر آزادی است، جلال است گل کردن و شکفتگی روح است.^{۱۷}

اگر این سخنان را بپذیریم و بپذیریم که هنر شرافت بخشیدن به ماده است، هنر انعکاس تخیل هنرمند است، و هنر جلال و عظمت است در این صورت بی‌هیچ تردیدی باید گفت خوشنویسی یکی از هنرهای بزرگ است و گزافه نیست «اگر بگوئیم شریف‌ترین هنر دیداری در جهان اسلام خوشنویسی است به‌ویژه نوشتن قرآن کریم که نفس هنر دینی به‌شمار است و به دور از هرگونه چشمداشت، کتیبه‌های منقش که گرداگرد دیوار محراب را فراگرفته، شخص مؤمن را نه تنها به یاد کلمات و معانی آنها می‌اندازد، بلکه او را متوجه موازنه حروف و صور روحانی آن و فیضان با جلال و قدرت وحی نیز می‌کند».^{۱۸}

اگر آثار محققین غربی مثل پوپ، گیرشمن و گدار را از نظر بگذرانیم می‌بینیم که همه آنان و حتی مورخان هنر و محققان عرب نیز در میان انواع زمینه‌های هنر تزئینی به خطوط زیبای کوفی چشم داشته و آن را گیراتر و جذاب‌تر یافته‌اند و این ادعا وقتی بهتر و بیشتر به دل می‌نشیند که انسان لحظاتی را با عمق و اندیشه مثلاً به کتیبه‌ی کوفی گنبد علی در ابرقو (ابرقوه) بنگرد و یا در مسجد جمعه اصفهان مجموعه خطوط متنوع کوفی این بنای مقدس را به تماشا بنشیند و یا کتیبه‌ی کوفی هنرمندانه بالای در ورودی گنبد سرخ مراغه را با دقت از نظر بگذراند و یا لحظاتی روحانی را به تماشای تزئینات خطی آجری مناره‌ی گار در نزدیکی اصفهان اختصاص دهد. (تصویر شماره ۹)

یکی از دل‌انگیزترین پدیده‌ها در خط کوفی بنایی یا بنایی صفحه‌ی کاشی‌کاری جالبی است بر دیوار شمالی ایوان مسجد جمعه اصفهان. این تابلو عالی کاشی‌کاری از چهار ترنج و یک مربع در وسط آنها تشکیل یافته است که در هر ترنج به شکلی بسیار استادانه یک مصرع از این رباعی جای گرفته است:

چون نامه جرم ما بهم پیچیدند

بردند و به میزان عمل سنجیدند

شگفت‌انگیز در خوشنویسی به یادگار نهادند.

به این ترتیب حرکت علمی و ادبی و هنری مسلمین آغاز شد و تردیدی نیست که زمان ایجاب می‌کرد که ایرانیان مسلمان و سایر مسلمین از هر ملیت ابتدا به کارهای مهم‌تری اقدام کنند و آن توجه به قرائت صحیح قرآن و تفسیر و سایر علوم قرآنی بود. علامه مرتضی مطهری می‌نویسد:

شاهکارهای صنعتی ایران در دوره اسلامی اعم از معماری‌ها، نقاشی‌ها، خوشنویسی‌ها، تذهیب‌کاری‌ها، خاتم‌کاری‌ها، کاشی‌کاری‌ها و معرق‌سازی‌ها و غیره بیشتر در زمینه‌های دینی اسلامی بوده است... آنچه بر همه واضح است این است که شاهکارهای فوق همه در مساجد و مشاهد و مدارس و قرآن‌ها و کتب ادعیه تجلی کرده است. معمارها هنر خود را در مساجد و مشاهد و مدارس اسلامی بروز داده‌اند. همچنین خاتم‌کارها، کاشی‌کارها و کتیبه‌نویس‌ها. گنجینه قرآن که در موزه‌های مختلف کشورهای اسلامی و احياناً کشورهای غیراسلامی هست، ارج هنر ایرانی را در زمینه‌های اسلامی و در حقیقت جوشش روح اسلامی را در ذوق ایرانی می‌رساند.^{۱۹}

همین معنا را از زبان عبدالحسین زرین‌کوب بخوانیم:

«که گفت در اسلام دین را با هنر سازگاری نیست؛ برعکس این دو یکدیگر را در آغوش می‌کشند و آن هم در مسجد، در بنای بسیاری از مساجد هنرهای مختلف درهم آمیخته است. معماری در توازن اجزا کوشیده است، نقاشی به نقوش ایوان و کاشی‌ها توجه کرده است، خوشنویسی الواح و کتیبه‌ها را جلوه بخشیده است و موسیقی هم برای این که از دیگر هنرها بازماند، در صدای مؤذن و بانگ قاری و واعظ مجال جلوه یافته است.»^{۲۰}

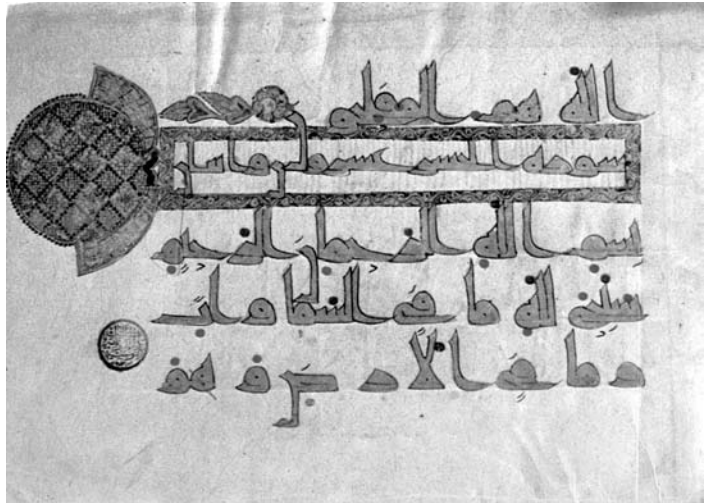
«خوشنویسی که در قدیم مخصوصاً با خط کوفی در معماری و سفال‌کاری یک هنر تزئینی بود بعدها با خط نستعلیق لطف و ظرافتی دیگر یافت. در کتابت، تذهیب و تجلید قرآن مخصوصاً گهگاه چنان ذوق و حوصله‌ای به کار می‌رفت که زیبایی بعضی از آنها، قدس و عظمت مساجد اسلامی را مجسم می‌کرد. تنوع بارزی که از حیث مواد و از حیث تکنیک در آثار هنر اسلامی هست جالب است و رشته‌های مختلف هنر از معماری، خط، تذهیب، مینیاتور و صنایع دستی زندگی طبقات ثروتمند را از ذوق و زیبایی می‌آکند. کنده‌کاری بر روی عاج، ساختن انواع کاشی و آبنگینه، بافتن انواع فرش و سجاده وسیله‌ای بوده است برای تجلی یافتن ذوق و ظرافت قوم.»^{۲۱}

یکی از این شاهکارهای هنری که در بالا نامبردار شد و وظیفه بسیار ارزشمندی را به لحاظ زیبایی بخشیدن به موضوعی که در آن به کار رفته، به‌عهد گرفته است خوشنویسی بود که به وسیله مسلمانان سایر کشورها به‌ویژه ایرانیان به اوج عظمت و کمال زیبایی خود نایل شد. با این مقدمه به مبحث اصلی که موضوع این مقاله است می‌پردازیم و آن سهم ایرانیان است در تزئین و تحسین خط کوفی.

تردیدی نیست که خط در ابتدای پیدایش به عنوان یک ضرورت تاریخی و اجتماعی پای به صحنه نهاده است و نه به صورت یک هنر. در ابتدا خط مورد نظر ما هم با همان زیبایی خیره‌کننده و ظرافت شگفت‌انگیز جلوه نکرد، بلکه مثل همه پدیده‌ها در آغاز به صورت طبیعی و برای مقاصد اجتماعی و به‌ویژه برای کتابت قرآن و ثبت و ضبط کلام خدا و حفظ آن از آسیب‌های تحریف و فراموشی کاربرد یافت.

مفهوم و معنای ضرورت تاریخی و اجتماعی کاملاً روشن است ولی هنر چیست؟ چرا خط به طور عموم و خط کوفی مورد بحث ما به خصوص در ردیف هنرهای مستظرفه و ذوقی به حساب می‌آید؟ واقعاً هنر چیست؟ گفته‌اند: «هنر بغرنج‌تر از آن است که به تعریف درآید یا با یک تعریف بتوان به معنای هنر دست یافت. یک پدیده هنری از دیدگاه‌های مختلفه تعریف‌های مختلف دارد. یکی از مختصات هنر این است که قادر به بیان ارزش باشد.»^{۲۲}

تولستوی گفته است: هنر نه تنها چیزی نیست که روشن و مستدل تعریف شده باشد، بلکه از جانب دلدادگان خویش نیز ضد و نقیض تفهیم گردیده است.^{۲۳} تئوفیل گوتیه که از رمانتیک‌ها و از پیروان هوگو و از طرفداران مکتب هنر



تصویر ۱۵



تصویر ۱۳:
برگی از قرآن با خط کوفی و نَقَط اعراب - لنینگراد
(منقول از مصور الخط)

شاید یکی از عواملی که ایرانیان صدر اسلام را زودتر و با تمایل بیشتر متوجه خوشنویسی آن هم در مصاحف کرد، آشنایی آنها بود به زبان عربی به خاطر اقامت در حیره که مقر ملوک لخمی بوده است و همچنین سکونت و زندگی در کوفه.

حیره در سال ۶۰۵ میلادی به تصرف ساسانیان درآمد و جزء ایالات ایران شد.^{۳۶} عرب‌هایی که در این حدود سکونت داشته‌اند به سبب مجاورت با ایران از برکت فرهنگ و تمدن آنها بهره‌هایی یافته بودند و نیز در بین آنها کسانی بودند که با خط و کتابت آشنایی داشتند و شاید خط و کتابت از آنجا به دیگر جاهای عربستان رفته باشد.^{۳۷}

«نفوذ ایرانیان در یمن و حیره به حدی بوده است که بعضی از رسوم و عقاید دینی آنان نیز در میان برخی از تازیان نزدیک به مراکز مذکور نفوذ یافته بود.»^{۳۸} «اعراب حیره از حیث عقل و تمدن نسبت به اعراب جزیره بهتر و برتر بودند، زیرا آنان در سایه تمدن عظیم ایران زیست می‌نمودند و با ایرانیان هم اتصال و رابطه داشتند. بعضی از آنها زبان پارسی را خوب می‌دانستند. در تاریخ ابن خلدون آمده: عدی بن زید حیری یکی از مترجمین پرویز شاهنشاه ایران بود. پدر او زید شاعر نثرگو و خطیب بود و پارسی و عربی را خوب می‌دانست. شکی نیست که آشنائی عرب به لسان فارسی، نقل و نشر تمدن و علم و ادب ایران را دربرداشت.»^{۳۹}

همان وضعیتی که در حیره حاکم بود در کوفه نیز قابل مشاهده بود. بدین توضیح که در این شهر هم عده‌ای از ایرانیان ساکن بودند و با عربان این سرزمین حشر و نشر داشتند. گفته‌اند:

«یکی از دلایل و عواملی که بیشتر و بهتر موجب تقرب ایرانیان به اسلام گردید این بود که کوفه در عصر اولیه اسلام و آغاز تأسیس یکی از مراکز عمده ایرانیان بود که پس از شکست قادسیه اسلام آوردند و در کوفه ماندند.»^{۴۰} و نیز می‌خوانیم:

از امور غریب یکی این است که حاملان علم در اسلام غالباً از عجم بودند و اگر در میان علما مردی در نسبت عربی بود، در زبان و جای تربیت و پرورش از عجم شمرده می‌شد و از آنجا که فنون نتیجه حضرات است و عرب دورترین مردم از آنند، پس علوم و فنون خاص نواحی متمدن گشت و متمدنین این عهد هم عجم یا از کسانی بودند که در معنا از آن دسته شمرده می‌شدند یعنی موالی و اهل شهرهایی که در تمدن و صنایع و حرف پیرو عجمان بودند.^{۴۱}

شک نیست که آمیختگی فرهنگی دو ملت و آشنایی آنان با خط و زبان

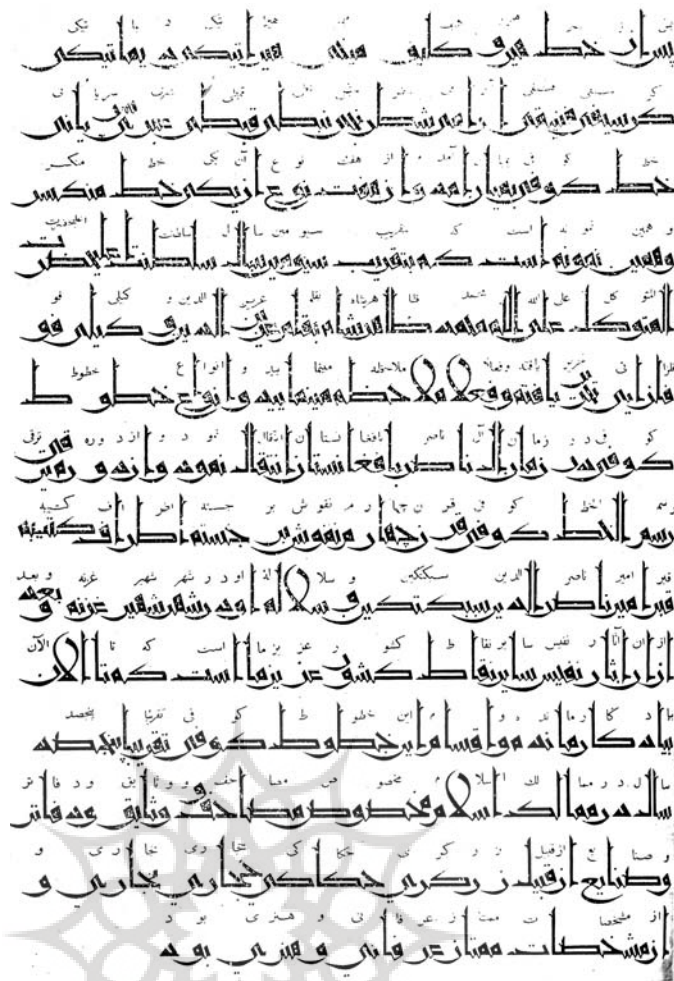
یکدیگر وقتی با عوامل دیگری از جمله دشواری خط پهلوی برای کتابت همراه شد، موجبات رواج و توسعه خط عربی را در ایران فراهم کرد ولی در کنار این عامل دو عامل عمده نیز موجب ترقی و توسعه و تحسین و تنويع خط کوفی شد:

۱- قرآن و احکام دینی که به عربی بود و همه مسلمین آن روز خود را ملزم به فراگیری آن می‌دانستند.

۲- تحریم بعضی از هنرهای ظریف که هنرمند را به جهت دیگری هدایت می‌کرد تا ذوق خود را ارضاء و جامعه را نیز از سرچشمه‌ی هنر خود سیراب نماید. گفته شده است که:

تحریم مجسمه‌سازی و نقاشی در اسلام به تحقیق سبب می‌شد که هنرمند از کشیدن صورت که مکنونات درون او را با وضعی مخالف با ایمان نشان می‌داد روی برتابد و در عین حال این تحریم هنرمندان را ناچار به استعمال رنگ و خط در تزیینات خیالی می‌کرد. این سخت‌گیری‌ها سبب شد که هنرمند ایرانی در بکار بردن عوامل و عناصری که با آن مقاصد خویش را می‌خواست برساند استاد شود.^{۴۲}

همان گونه که گذشت خط کوفی در ابتدا بسیار ساده و عاری از نقطه و اعراب بود و خواندن آن به دلیل وجود حروف مشابه و هم شکل برای ملت‌های غیر از عرب بسیار مشکل بود، در عین این که خود قوم عرب هم این مشکل را داشتند ولی شاید کمتر و این امر دانایان قوم را - که به قول جمهور محققان غربی و شرقی ایرانیان بودند - واداشت که نسبت به تسهیل در امر قرائت کلام خدا چاره‌ای بیندیشند.



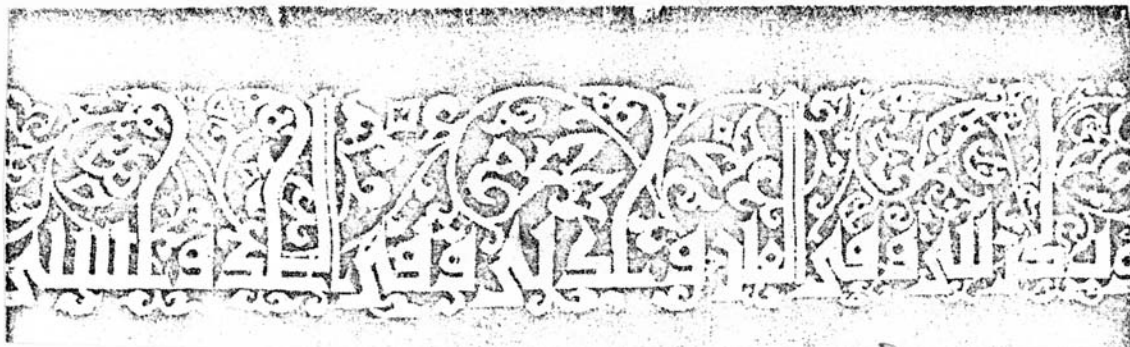
تصویر ۷: نوعی رسم الخط شبیه به پیرآموز که خطاط آن، آثار منکسر نامیده است
فی سنده ثلاث عشر و اربعم عمل الحسین بن

به وجود می‌آید، که زبان و قلم از توصیف آن ناتوان و درمانده می‌شود».^{۱۵}
در ایران اسلامی کتابت و آرایش از قدیم‌ترین روزگاران دو هنر توأمان بوده‌اند زیرا عنصر کتابت و عنصر تزئین (بنایی - هندسی) به قدری خوب با هم توازن و تقارن دارند و فضاهای بین قوایم حروف را آنچنان پر می‌کنند که از وضوح و روشنی خطوط به طرز چشمگیری می‌کاهند و بر رمز و راز آن می‌افزایند و فکر و ذوق را آنچنان تسخیر می‌کنند که انسان فقط مسحور آن همه زیبایی می‌شود و اثر را فقط از دید زیباشناختی می‌نگرد و هرچه از قرن‌های آغازین دور می‌شویم به این شیوه از هنر ایرانی نزدیک می‌شویم و می‌بینیم که حتی در عصر حاضر کوفی‌نویسان بزرگواری هستند که تعلقات مادی را سه طلاق گفته‌اند و حافظانه بر هر چه که هست چارتکیب زده‌اند و عمر عزیز را در راه ابقای این هنر گرامی صرف کرده‌اند (تصویر شماره ۱۶) و باید همان‌طوری که آنان آیات و سوره قرآن را به طلا مزین کرده‌اند انگشتان آنها را که هنر از آن می‌بارد به طلا گرفت.

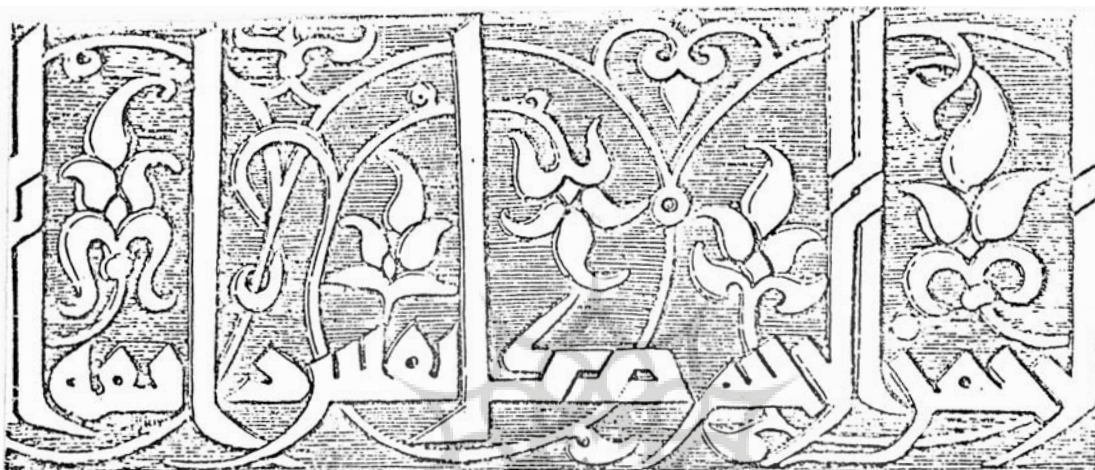
پی‌نوشت‌ها:

۱. در این مقاله وارد این جریان نشده‌ایم که عده‌ای را نظر بر این است که این خط مستخرج و منبعث از یک خط ایرانی قدیم است، ولی نمونه‌های فراوانی نشان می‌دهد که خطوط کوفی شیوه‌ی ایرانی وجود دارد و در این تردیدی نیست. مسأله خط پیرآموز و استخراج خط کوفی از خطوط باستانی ایران می‌تواند موضوع تحقیق جانبداری در فرصتی دیگر باشد.
۲. راهنمایی صنایع اسلامی، صص ۳۳-۳۴
۳. ایران از آغاز تا اسلام، صص ۲-۴۰۱

۴. ایران از آغاز تا اسلام، ص ۳۸۷
۵. مجله هنر و مردم، شماره ۱۲۸، صص ۳۱-۲۹
۶. همان
۷. دراسته فی تطور الکتبات الکوفیه علی الاحجار، صص ۳-۲۸۲
۸. خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۸۰-۳۷۹
۹. هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی، صص ۸-۹
۱۰. ایران از نظر خاورشناسان، ص ۱۵۳
۱۱. تاریخ ادبیات در ایران، صص ۲۵
۱۲. خدمات متقابل اسلام و ایران، ج ۲، صص ۷-۶۶۶
۱۳. از چیزهای دیگر، صص ۷-۱۷۳ و کارنامه اسلام
۱۴. کارنامه اسلام، صص ۱-۱۵۰
۱۵. تاریخ عمومی هنرهای مصور، ج ۲، ص ب.
۱۶. هنر چیست؟ ص ۱۱
۱۷. مکتب‌های ادبی، صص ۹-۱۹۸.
۱۸. مجله هنر و مردم، شماره ۵۵، ص ۲.
۱۹. رک: گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۱۴۰.
۲۰. تاریخ تمدن اسلام، ج ۱، صص ۳-۱۳۲.
۲۱. تاریخ تمدن اسلام، ج ۱، صص ۳-۱۳۲.
۲۲. هنر و مردم، شماره ۱۰۴، ص ۹.
۲۳. همان، شماره ۱۰۰، ص ۱۲.
۲۴. تاریخ تمدن اسلام، ج ۱، ص ۱۳۳ به بعد.
۲۵. مجله هنر و مردم، شماره ۱۰۴، ص ۱۴.
۲۶. صنایع ایران بعد از اسلام، ص ۳.



تصویر ۴: پارچه ابریشمی منسوب به قرن ۶ هجری با کوفی مزهر



تصویر ۴: کوفی مزهر (گل و برگدار) ... لرحمن الرحيم كل نفس ذائقة...

این نوع از کوفی مزین در ابنیه سلجوقی و نقاشی‌های بر دیوار آن دوره مانند کتیبه‌ی بقعه‌ی پیر علمدار در دامغان (۴۱۸ هـ) که در نهایت آراستگی و تزیین با گره‌های مختلف است، تکمیل گردید. فراموش نکنیم که همراه با اعتلای خط کوفی و تلاش‌های هنرمندانه‌ی ایرانیان در این راه، تذهیب نیز که در هنر ایرانی با خط عجین شده بود، به طرز شگفت‌آوری ارتقا یافت و خط و تذهیب و سایر هنرهای مربوط به کتابت مجموعاً چشم‌اندازهای دلربایی را ایجاد کردند. بخوانیم:

در مجموعه‌ی چستر بییتی قرآنی هست به خط عبدالله الصیرفی... عناوین سوره در این قرآن به خط کوفی است و تزیینات آن به رنگ‌های شفاف از قبیل قرمز و آبی فیروزه‌ای و سبز و سفید روی زمینه طلائی است. به کار بردن الوان متعدد که در قرن چهاردهم میلادی اوج یافت تأثیر زیادی در تکامل تذهیب‌کاری ایرانی بجا گذاشت. یک نسخه‌ی عالی دیگر که قسمتی از آن در مجموعه‌ی چستر بییتی و قسمتی دیگر در موزه صنایع ظریفه‌ی بوستون محفوظ است توسط عبدالله‌بن احمد مراغه‌ای نوشته شده و... اوراق این قرآن حاکی از استعداد و هنرمندی عجیب تذهیب‌کاران ایرانی است که از ترکیب خط و تزیین یک نوع هنر تزیینی جدید به‌وجود آورده‌اند.^{۲۸} آمده است که:

«تذهیب و تزیین قرآن بدون شک منشأ و سرچشمه‌اش در ایران است و از تزیین قرآن‌ها و دستخط‌های قرآنی ایران اخذ شده است».^{۲۹} و در دو صفحه قبل از آن هم می‌خوانیم «که کوفی ایرانی برتر و کامل‌تر از سایر خطوط کوفی است».^{۳۰}

«وقتی هنر تذهیب و نگارگری با خوشنویسی درآمیخت و ظرافت و لطافت رنگ‌های دلپذیر با نقش‌های دلفریب خطوط تلفیق شود و انگیزه‌ای چون عشق و ایمان به خداوند بر آن حکم‌فرما گردد، آفریده‌های طناز و آثار بدیع و دل‌انگیزی

شد ولی جاه‌طلبی‌ها و افزون‌خواهی‌های ابن‌مقله - که سه بار هم به وزارت رسید - باعث شد که خلیفه کودن عرب و وزرای بی‌لیاقت در اثر بی‌حمیتی و خبث طینت و پستی فطرت خدمات او را متأسفانه به چیزی نشمرند و دست او را مثل دست دزدان قطع کنند و او را به زندان افکنند و در همانجا او را مقتول و مدفون سازند.^{۳۱} خط کوفی مدت پانصد سال برای کتابت قرآن و کتیبه‌نویسی استعمال داشت و اغلب قرآن‌های اولیه به همان صورت ساده خود منتهی به رسم‌الخط‌های مکی و مدنی و کوفی نوشته می‌شد و در تحسین آن کوشش به عمل نمی‌آمد. این خط در طول سه قرن به شدت رواج گرفت و در تمام شئون اجتماعی اسلامی چهره‌ای درخشان داشت. خط کوفی در عصر عباسی به مرتبه رفیعی از تفنن و زیبایی و رسم و شکل رسید و انواع خط کوفی از پنجاه نوع متجاوز شد که معروف‌ترین آنها محرر، مشجر، مربع، مدور و متداخل بود.^{۳۲} (تصویر شماره ۴)

«کوفی با تمام انواعش به دو دسته بزرگ تقسیم می‌شود: خطوط کوفی مشرقی و خطوط کوفی مغربی. کوفی مغربی مشتمل بر چند شیوه است: قیروانی (اندلسی، قرطبی، فاسی)، تونسسی، جزایری، سودانی».^{۳۳} «خطوط کوفی شرقی: در این دسته از خطوط ۳ شیوه متفاوت می‌نگریم: یکی شیوه اصیل عربی مشتمل بر مکی، مدنی، کوفی، بصری، شامی، مصری و توابع آنهاست. دیگری شیوه ایرانی (تصویر شماره ۷) و سوم شیوه مختلط. تمام این شیوه‌ها از نظر دقت و بررسی در خطوط مصاحف و کتیبه‌های مساجد و ابنیه از آجری و کاشیکاری و ظروف سفالین و فلزی (تصاویر شماره ۱۰) و سنگ‌نبشته‌ها به سه نوع عمده و متمایز تقسیم می‌گردد: نوع ساده یا محرر، نوع تزیینی، نوع بنایی (معقلی)»^{۳۴}

«در قرآن‌های عهد سلجوقی متعلق به قرن پنجم و ششم هجری خط کوفی شیوه ایرانی حداکثر ترقی را نمود و تذهیب‌ات آن غنی‌تر شد».^{۳۵}



تصویر ۱۰

کاسه با نقشه سرخ و سیاه از نیشابور
قرن ۴ موزه متروپولیتن

منقول از: شاهکارهای هنر ایران

۲۷. میراث ایران، ص ۱۰۴.
۲۸. همان، ص ۱۰۷.
۲۹. دراسته فی تطورالکتابات الکوفیه علیالحجاز، ص ۷۹.
۳۰. شاهکارهای هنر ایران، ص ۴.
۳۱. همان، ص ۲.
۳۲. صنایع ایران بعد از اسلام، صص ۳-۴.
۳۳. صنایع ایران بعد از اسلام، صص ۱۴-۱۳۱.
۳۴. Mc Allister: Acqwistion of leaves from early Koran Bull-Met. Mus. Art. 1941. P. 165.
۳۵. صنایع ایران بعد از اسلام، ص ۲۹۳.
۳۶. تمدن اسلام و عرب، ص ۹۶.
۳۷. دو قرن سکوت، صص ۶-۷.
۳۸. تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ص ۸.
۳۹. پرتو اسلام، چاپ دوم، ج ۱، ص ۳۴.
۴۰. دو قرن سکوت، ص ۸۷ به بعد.
۴۱. تاریخ علوم عقلی، صص ۵-۳۴.
۴۲. میراث ایران، ج ۱، ص ۲۰۴.
۴۳. پیدایش خط و خطاطان، چاپ دوم، صص ۷۳-۵۷ به اختصار.
۴۴. اطلس خط، ص ۱۴۲ به نقل از الوسیط، ص ۱۹۴.
۴۵. اطلس خط، صص ۳-۱۴۲.
۴۶. اطلس خط، صص ۵۰-۱۴۹.
۴۷. راهنمای صنایع اسلامی، ص ۷۷.
۴۸. همان، ص ۸۱.
۵۰. همان، ص ۱۳.
۵۱. فهرست قرآن‌های خطی کتابخانه سلطنتی، ص ۲.
۲۰. فهرست قرآن‌های خطی، تالیف: بدری آتابای، تهران، ۱۳۵۱.
۲۱. کارنامه اسلام، تالیف: عبدالحسین زرین کوب، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.
۲۲. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تالیف: لطف‌الله هنرفر، چاپ اصفهان، ۱۳۴۴.
۲۳. مکتب‌های ادبی، تالیف: رضا سیدحسینی، انتشارات نیل، چاپ سوم، ۱۳۴۲.
۲۴. میراث ایران، تالیف: سیزده تن از خاورشناسان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶.
۲۵. هنر ایران، تالیف: آندره گنار، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، ۱۳۴۵.
۲۶. هنر چیست؟ تالیف: لئون تولستوی، ترجمه کاوه دهگان، چاپ دوم، ۱۳۴۵.
۲۷. هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی، تالیف: ج. هوگ، ترجمه پرویز ورجوند، تهران، ۱۳۴۸.
- 28- Mc. Allister. Acqwistion of leaves from early Koran. Bull.Met.Mus. art. 1941. P. 165
- 29- Martin Lings and Yasin Hamid Safadi. The Quran

فهرست منابع:

۱. از چیزهای دیگر، تالیف: عبدالحسین زرین کوب، نشر جاویدان، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۲. اطلس خط، تالیف: حبیب‌الله فضائلی، انجمن آثار ملی اصفهان، ۱۳۹۱ قمری.
۳. ایران از آغاز تا اسلام، تالیف: ر. گیرشمن، ترجمه محمد معین، انتشارات علمی